

مقایسه ویژگی های شخصیتی، اختلالات روانی و اختلال هویت جنسی زوجین در معرض طلاق و زوجین عادی (مطالعه موردی: معلمان ابتدایی شهر صحنه)

مریم توشمالانی^۱، حسن امیری^۲

^۱ گروه مشاوره، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

^۲ گروه مشاوره، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

هدف از پژوهش حاضر مقایسه ویژگی های شخصیتی، اختلالات روانی و اختلال هویت جنسی زوجین در معرض طلاق و زوجین عادی در معلمان ابتدایی شهر صحنه هستیم. در پژوهش حاضر که به منظور بررسی و مقایسه ویژگی های شخصیتی، اختلالات روانی و اختلال هویت جنسی زوجین در معرض طلاق و زوجین عادی گرفته است، با توجه به هدف کاربردی و شیوه اجرا علی مقایسه ای است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه زوج های طلاق در بین معلمان ابتدایی شهر صحنه است که در فاصله زمانی بهمن ماه ۱۳۹۶ تا بهمن ۱۳۹۷ در شهر صحنه زندگی می کنند. در واقع، جامعه زوج های متقاضی طلاق آن زوج هایی هستند که در فاصله زمانی مذکور جهت تقاضای طلاق به دادگستری صحنه مراجعه نموده اند. نمونه تحقیق ۱۵ نفر از زوجین متقاضی طلاق و ۱۵ نفر از زوجین عادی ساکن شهر صحنه بودند که به شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه است در این پژوهش از پرسشنامه های پرسشنامه پنج عاملی شخصیت نئو (۲۰۰۴)، پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی خصوصیات مربوط به ازدواج، پرسشنامه بالینی چند محوری میلون (۱۹۹۷) و پرسشنامه سنجش اختلال هویت جنسیتی (۱۳۹۰) استفاده شد. نتایج نشان داد که بین ویژگی های شخصیتی در زوجین متقاضی طلاق با زوجین عادی، بین اختلالات روانی در زوجین متقاضی طلاق با زوجین عادی و بین اختلال هویت جنسی در زوجین متقاضی طلاق با زوجین عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

واژه های کلیدی: ویژگی های شخصیتی، اختلالات روانی، اختلال هویت جنسی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

طلاق علل متعددی دارد و کمتر می توان برای آن علل محدودی را در نظر گرفت. طلاق از آن دسته پدیده های اجتماعی است که دارای علل متعدد و در اکثر مواقع پیچیده است. پژوهشگران متعددی در داخل و خارج از کشور به بررسی این مسئله پرداخته و به علل و ریشه ها و به ویژه پیامدها و عوارض فردی، خانوادگی و اجتماعی آن توجه کرده اند. تحقیقات مختلف نشان داده اند که عوامل برون روانی از جمله دخالت دیگران در زندگی و تفاوت منزلتی (فاتحی دهقانی و نظری، ۱۳۸۹؛ قطبی، ۱۳۸۳)، برآورده نشدن انتظارات زوجین (فخرایی و حکمت، ۱۳۸۹)، مشکلات مالی و اقتصادی (شیرزاد و کاظمی فرد، ۱۳۸۳؛ قطبی، ۱۳۸۳ و میلر او همکاران، ۲۰۰۳)، اعتیاد، فقر و بیکاری و اختلاف فرهنگی (شیرزاد و کاظمی فرد، ۱۳۸۳؛ توسلی و ندوشن، ۱۳۹۰)، بیکاری مردان (شیرزاد و کاظمی فرد، ۱۳۸۳) و عوامل درون روانی از جمله عدم تفاهم اخلاقی و عقیدتی زوجین (قطبی، ۱۳۸۳)، مهارت های ارتباطی ضعیف (هنریان و یونسی، ۱۳۹۰) و... در روابط زوجین و در نتیجه طلاق تاثیر به سزایی دارند که از بین آن ها ویژگی های درون روانی از اهمیت به سزایی برخوردارند. زیرا این عوامل با تمام جنبه های زندگی افراد مثل آموزش، شغل و عملکردهای بین فردی مرتبط هستند (دوروس، هانزال و سگرینا، ۲۰۱۱).

از جمله ویژگی های درون روانی که به نظر می رسد ثبات روابط زوجین را تحت تاثیر قرار می دهد، ویژگی های شخصیتی، اختلالات روانی و اختلال هویت جنسی می باشد. شخصیت، می تواند تأثیرات پایداری بر روابط زناشویی داشته باشد (شاهمرادی و همکاران، ۱۳۹۰). همچنین برخی از ویژگی های شخصیتی و اختلالات روانی، تنشها و تعارضات را بین زوجها افزایش می دهد و تداوم زندگی زناشویی را تهدید می کند (عطاری و همکاران، ۱۳۹۵). کارنی و برادبوری (۲۰۱۲) معتقدند که بعضی تمایلات شخصیتی مانند روان رنجوری آسیب پذیری های پایداری را به وجود می آورند که بر چگونگی انطباق زوجها با تجارب فشار آفرین تأثیر می گذارد. این انطباق نیز بر رضایت آنها از روابط زناشویی مؤثر است. بسیاری از روانشناسان و خانواده درمانگران، ویژگی های شخصیتی زوجین و کیفیت روابط بین اعضای اصلی خانواده را مهمترین عامل در موفقیت و عدم موفقیت هر ازدواجی می دانند. در واقع زناشویی، ازدواج دو شخصیت است. هر یک از زوجین با پیشینه تحولی و سبک شخصیتی و ترکیب عوامل زیست شناختی، محیطی و تجربی گوناگونی به زندگی مشترک قدم می گذارند. یافته های پژوهشی نشان می دهد که عوامل و ابعاد شخصیتی بهتر از متغیرهای تقویمی مثل سن، تحصیلات یا سابقه جدایی در گذشته کیفیت روابط زناشویی را پیش بینی می کند (بنتلر و نیوکمپ، ۱۹۹۸). پژوهش ها نشان داده اند که ثبات و پایداری یک ازدواج با هماهنگی ویژگی های شخصیتی زوجین مرتبط است. محققان معتقدند که یک توافق عمومی وجود دارد که خصوصیات شخصیتی نقش مهمی در نتایج منفی یا مثبت روابط زناشویی دارد (آتاری و همکاران، ۲۰۰۶).

^۱Miller

^۲Dorros, Hanzal & Segrina

^۳Karney & Bardbury

^۴Bentler & Newcomb

^۵Attari

پژوهش ها به این نتیجه رسیدند که ویژگی های شخصیتی یکی از مهمترین عامل ها در شکل گیری، حفظ، و فروپاشی ازدواج هستند. به طور کلی، ویژگی های شخصیتی بر شیوه ای که همسران یکدیگر را درک و با هم تعامل می کنند تأثیر می گذارد و تعیین می کند که چگونه اختلافات زناشویی درک و مطرح می شوند (بارلدس دیک و بارلدس-دی جکسترا، ۲۰۰۶). رابینز او همکاران (۲۰۰۰) نشان دادند که از میان پنج عامل بزرگ شخصیت، ویژگی روانرنجورخویی قدرتمندترین پیش بینی کننده عدم ثبات رابطه و نارضایتی زناشویی است. دونلان^۹ و همکاران (۲۰۰۴) با اشاره به تحقیقات متعدد انجام شده، بر این نکته تأکید دارند که رضایت زناشویی بیش از همه، از ویژگی های شخصیتی زوجین متأثر است.

در زمینه شیوع اختلال هویت جنسی آمار دقیقی در دست نیست، اما به نظر می رسد در میان مردان شایع تر است، به طوری که در مردان یک در سی هزار و در زنان یک در صد هزار گزارش شده است. برطبق آمار ۶ نفر در هر ۱۰۰ هزار نفر در دنیا مبتلا به اختلال هویت جنسی می باشند. پزشکی قانونی کشور در گزارش خود اعلام کرده است که آمار رسمی افراد دارای اختلال هویت جنسی در ایران حدود ۴۵۰۰ نفر می باشد (سایت رسمی پزشکی قانونی، ۱۳۹۰). معمولاً واژه اختلال هویت جنسی را زمانی به کار می برند که فردی با جنسیت و فیزیک مذکر دارای احساسات و تمایلات زنانه باشد و یا عکس این قضیه، یعنی دختری با ظاهری زنانه دارای احساسات مردانه باشد. اختلال هویت جنسی دارای ابعاد مختلفی است و عوامل متعددی بر آن تأثیرگذار است. از سوی دیگر تحقیقات نشان داده اند که اختلال شخصیت منبع مهمی از مشکلات ازدواج است که باعث ناسازگاری و ایجاد مشکلات زناشویی می گردد و می تواند با انواع شخصیت شناسایی شود. یک اختلال شخصیت، الگوی پایداری از رفتار و تجربه درونی است که با انتظارات فرهنگی، به میزان قابل ملاحظه ای مغایرت دارد، فراگیر و انعطاف ناپذیر است، در دوران نوجوانی یا اوایل بزرگسالی آغاز می شود، در طی زمان پایدار است و به پریشانی یا اختلال منجر می شود (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۰۳). هنگامی که یکی از همسران در ازدواج مبتلا به اختلالات روانشناختی گردد، به احتمال زیادی همسرش نیز از این امر متأثر می شود. گاهی اختلالاتی مانند اختلالات شخصیت که به طور مشهود در مبتلایان به آن دیده نمی شود، از عوامل ناسازگاری و تنش های زندگی زناشویی خواهند شد (قره داغی، ۱۳۹۰). از این رو در این پژوهش به دنبال مقایسه ویژگی های شخصیتی، اختلالات روانی و اختلال هویت جنسی زوجین در معرض طلاق و زوجین عادی در معلمان ابتدایی شهر صحنه هستیم.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر با توجه به هدف کاربردی و شیوه اجرا علی مقایسه ای است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه زوج های طلاق در بین معلمان ابتدایی شهر صحنه است که در فاصله زمانی بهمن ماه ۱۳۹۶ تا بهمن ۱۳۹۷ در شهر صحنه زندگی می کنند. در واقع، جامعه زوج های متقاضی طلاق آن زوج هایی هستند که در فاصله زمانی مذکور جهت تقاضای طلاق

^۱Barelds, Dick

^۲Barelds-Dijkstra

^۳Robins

^۴Dunnellon

^۵American Psychiatric Association

به دادگستری صحنه مراجعه نموده‌اند. حجم نمونه شامل ۷۰ زوج است. برای نمونه‌های طلاق از روش نمونه‌گیری در دسترس و زوج‌هایی که به دادگستری شهر صحنه مراجعه کرده‌اند استفاده می‌شود. برای انتخاب زوج‌ها از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده می‌شود. نمونه تحقیق ۱۵ نفر از زوجین متقاضی طلاق و ۱۵ نفر از زوجین عادی ساکن شهر صحنه بودند که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

پرسشنامه پنج عاملی شخصیت نئو

برای سنجش پنج عامل بزرگ شخصیت از فرم کوتاه نئو (NEO-FFI) استفاده شد. این پرسشنامه در واقع کوتاه شده ی پرسشنامه ی ۲۴۰ سؤالی (NEO-PI-R) با ۶۰ سؤال است که کوستا و مک گری (۲۰۰۴) برای ارزیابی ۵ ویژگی اصلی شخصیت (نورزگرایی، برونگرایی، گشودگی، مقبولیت، باوجدان‌بودن) تدوین کردند و براساس مقیاس پنج درجه ای لیکرت از کاملاً مخالف، تا کاملاً موافق نمره گذاری می‌شود و ضرایب اعتبار بازمیابی آن نیز بین ۰/۸۳ تا ۰/۷۵ گزارش شده است. گروسی فرشی (۱۳۸۰)، نیز ضرایب همسانی درونی را برای هر یک از عوامل روانرنجورخویی، برونگرایی، باز بودن به تجربه، توافق‌پذیری و با وجدانی به ترتیب برابر: ۰/۸۶، ۰/۷۳، ۰/۵۶، ۰/۶۸ و ۰/۸۷ گزارش کرده است (فتیحی آشتیانی و داستانی، ۱۳۹۰). همچنین در این پژوهش ضرایب پایایی به روش آلفای کرونباخ بین ۰/۶۸ تا ۰/۷۶ به دست آمد. در پژوهش کیامهر (۱۳۸۱)، پایایی این آزمون با استفاده از روش بازمیابی برای پنج عامل روانرنجورخویی، برونگرایی، باز بودن به تجربه، توافق‌پذیری و وجدانی بودن به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۸۲، ۰/۷۸، ۰/۶۵ و ۰/۸۶ گزارش شده است. خجسته مهر (۱۳۸۴) نیز پایایی این پرسشنامه را در مردان و زنان متقاضی طلاق شهر اهواز با روش آلفای کرونباخ بین ۰/۶۶ تا ۰/۹۰ و با روش تنصیف بین ۰/۵۱ تا ۰/۸۲ و برای مردان و زنان عادی با روش آلفای کرونباخ بین ۰/۶۰ تا ۰/۸۴ و با روش تنصیف بین ۰/۶۴ تا ۰/۸۰ محاسبه کرد. پایایی آزمون هم در پژوهش حاضر با روش آلفای کرونباخ برای مردان و زنان متقاضی طلاق بین ۰/۴۵ تا ۰/۶۸ بدست آمد و برای زوجین عادی ۰/۶۴ تا ۰/۷۶ بدست آمد. یک نمونه از سوالات پرسشنامه به این شرح است: دوست دارم همیشه افراد زیادی دور و برم باشد.

پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی خصوصیات مربوط به ازدواج

این پرسشنامه جهت تکمیل اطلاعات توسط محقق تدوین شده است. این پرسشنامه در بر گیرنده اطلاعاتی اولیه در خصوص ویژگی‌های نمونه، شامل: سن، جنسیت، مدت آشنایی قبل از ازدواج، مدت ازدواج، تحصیلات و شغل در دو گروه عادی و گروه متقاضی طلاق و علت تقاضای طلاق و وضعیت اقتصادی در گروه متقاضی طلاق می‌باشد.

پرسشنامه اختلالات روانی

پرسشنامه بالینی چند محوری میلون در سال های دهه ۱۹۷۰ توسط تئودور میلون^۱ نظریه پرداز شخصیت و همکارانش تدوین شد. این پرسشنامه دارای ۱۷۵ گزاره در مورد شخصیت و رفتار است که مراجع بر حسب اینکه آیا درباره وی صدق می

^۱Theodore Millon

کند یا نه بصورت "درست" یا "غلط" به آنها پاسخ می دهد. توانایی خواندن آزمودنی دست کم باید در سطح کلاس هشتم باشد. این پرسشنامه دارای ۲۸ مقیاس می باشد که از این ۲۸ مقیاس، ۴ مقیاس (شاخص های Z, Y, X, V که به ترتیب به سنجش روانی، افشاگری، مطلوبیت و خودکم شماری می پردازند) به روانی و اعتبار آن اختصاص دارد، ۱۱ مقیاس الگوهای شخصیت بالینی (شامل اسکیزوئید، اجتناب، افسردگی، وابسته، نمایشی، خودشیفته، جامعه ستیز، آزارگر، وسواسی، منفی گرا و خودآزار) را اندازه گیری می کند، ۳ مقیاس نشانگر الگوهای شخصیتی شدید (شامل اسکیزوتایپال، مرزی، پارانویا) است، ۷ مقیاس نشانگان بالینی (شامل اضطراب، اختلال جسمانی شکل، دوقطبی، افسرده خویی، وابستگی به الکل، وابستگی به مواد و اختلال استرس پس از ضربه) را اندازه گیری می کند و ۳ مقیاس دیگر نشانگان بالینی جدی (اختلال تفکر، افسردگی عمده و اختلال هذیانی) را مورد سنجش قرار می دهد. شریفی و همکاران (۱۳۸۶) نشان دادند مقیاس های میلون توان پیش بینی مثبت، منفی و کل بالایی دارند. توان پیش بینی مثبت مقیاس ها در دامنه ۰/۹۲ تا ۰/۹۸، توان پیش بینی منفی مقیاس ها از ۰/۹۳ تا ۰/۹۹ است، همچنین توان تشخیص کل تمام مقیاس ها در دامنه ۰/۵۸ تا ۰/۸۳ قرار دارد. پایایی مقیاس ها در مطالعه هنجاریابی میلون به فاصله زمانی ۵ تا ۱۴ روز از دامنه ۰/۸۶ (مقیاس بدنمایی) تا ۰/۹۶ (شبه جسمی) با متوسط ۰/۹۰ برای تمامی مقیاس ها گزارش شده است. همچنین در مطالعه شریفی و همکاران (۱۳۸۶) پایایی آزمون از طریق روش همسانی درونی محاسبه شده است و ضریب آلفای مقیاس ها در دامنه ۰/۸۵ (وابستگی به الکل) تا ۰/۹۷ (اختلال استرس پس از ضربه) بدست آمده استدر مطالعه خواجه موگهی (۱۳۷۲)، ضریب پایایی مقیاسهای ام.سی.ام.آی-۲ به روش بازآزمایی با فاصله ۷ تا ۱۰ روز از دامنه ۰/۷۸ (نمایشی) تا ۰/۸۷ (اختلال هذیانی) بدست آمده است. در این مطالعه میانگین همسانی درونی در تمام مقیاسها با دامنه ای ۰/۶۲ (هذیانی) تا ۰/۹۲ (مرزی) با متوسط ۰/۸۴ درصد بدست آمده است.

پرسشنامه سنجش اختلال هویت جنسیتی

به منظور سنجش اختلال هویت جنسیتی و عوامل اجتماعی موثر بر آن از ابزار پرسشنامه استاندارد اختلال هویت جنسی منتشر شده توسط راهنمای آماری و تشخیص ناهنجاری های ذهنی (DSM-IV-TR) استفاده شد که توسط بهروان و بیانی در سال ۱۳۹۰ در ایران بومی سازی شده است. پرسشنامه به صورت ساختمان تهیه شده و سازه ها با طیف لیکرت پنج درجه ای سنجیده شده است. این ابزار دارای چهل و یک گویه است. شانزده گویه ی اول جهت سنجش ابعاد سه گانه ی اختلال هویت جنسی (بعد عاطفی پنج گونه، بعد ادراکی پنج گویه و بعد رفتاری شش گویه) و مابقی جهت سنجش سازه های مختلف عوامل اجتماعی موثر بر اختلال هویت جنسی در نظر گرفته شده است.

یافته ها

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش در دو گروه

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار
ویژگی های شخصیتی	متقاضی طلاق	۳/۵۶	۰/۱۵
	عادی	۲/۷۶	۰/۱۷

۰/۲۵	۲/۹۵	متقاضی طلاق	اختلالات روانی
۰/۰۸	۲/۸۴	عادی	
۰/۲۹	۴/۲۳	متقاضی طلاق	اختلال هویت جنسی
۰/۳۲	۲/۸۵	عادی	

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد، میانگین (انحراف معیار) در متغیر ویژگی‌های شخصیتی در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی به ترتیب ۳/۵۶ (۰/۱۵) و ۲/۷۶ (۰/۱۷)، در متغیر اختلالات روانی میانگین (انحراف معیار) در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی به ترتیب ۲/۹۵ (۰/۲۵) و ۲/۸۴ (۰/۰۸) و در متغیر اختلال هویت جنسی میانگین (انحراف معیار) در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی به ترتیب ۴/۲۳ (۰/۲۹) و ۲/۸۵ (۰/۳۲) می‌باشد.

جدول ۲ آزمون‌های اثرات بین آزمودنی‌ها در مقایسه میانگین مؤلفه‌های ویژگی‌های شخصیتی در دو گروه

اثر	ارزش	F	سطح معنی‌داری
اثر پیلایی ^{۱۲}	۰/۸۴	۵۷۲/۵۶	۰/۰۰
لامبدای ویلکز ^{۱۳}	۰/۰۴	۵۷۲/۵۶	۰/۰۰
اثر هتلینگ ^{۱۴}	۳۸/۲۳	۵۷۲/۵۶	۰/۰۰
بزرگترین ریشه روی ^{۱۵}	۴۱/۹۶	۵۷۲/۵۶	۰/۰۰

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که سطوح معناداری همه آزمون‌ها قابلیت استفاده از تحلیل واریانس چند متغیری را مجاز می‌شمارد. این نتایج نشان می‌دهد که در گروه‌های مورد مطالعه حداقل از نظر یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معناداری وجود دارد (۰/۰۰ < P، F= ۵۷۲/۵۶، = ۰/۰۴ لامبدای ویلکز).

^{۱۲}Pillai's Trace

^{۱۳}Wilks' Lambda

^{۱۴}Hotelling's Trace

^{۱۵}Roy's Largest Root

جدول ۳: نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره فرضیه اول

مجدور	سطح معناداری	F	میانگین مجدورات	درجه آزادی	مجموع مجدورات	منبع تغییرات	اثر گروه
۰/۳۱	۰/۰۰۰	۵۹/۶۸	۴/۳۷	۱	۴/۳۷	روان رنجور خوبی	
۰/۳۹	۰/۰۰۶	۳۷/۰۷	۳/۲۶	۱	۳/۲۶	برون گرایی	
۰/۴۱	۰/۰۰۰	۴۱/۳۴	۲/۴۰	۱	۲/۴۰	تجربه گرایی	
۰/۵۲	۰/۰۰۰	۵۲/۹۸	۱۱/۲۶	۱	۱۱/۲۶	توافق پذیری	
۰/۶۰	۰/۰۰۰	۸۶/۸۵	۵/۵۲	۱	۵/۵۲	با وجدان بودن	
			۰/۲۵	۲۸	۶/۹۸	روان رنجور خوبی	خطا
			۰/۱۸	۲۸	۵/۱۷	برون گرایی	
			۰/۲۰	۲۸	۵/۶۳	تجربه گرایی	
			۰/۴۴	۲۸	۱۲/۳۴	توافق پذیری	
			۰/۲۷	۲۸	۷/۶۸	با وجدان بودن	
				۳۰	۶۷۱/۹۶	روان رنجور خوبی	کل
				۳۰	۶۸۸/۴۴	برون گرایی	
				۳۰	۶۸۵/۸۳	تجربه گرایی	
				۳۰	۷۶۰/۹۴	توافق پذیری	
				۳۰	۵۶۴/۹۲	با وجدان بودن	

بررسی نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که مؤلفه برون گرایی ($F=59/68$) در دو گروه تفاوت معناداری وجود ندارد ($p > 0/05$)، ولی مؤلفه‌های روان رنجور خوبی ($F=59/68$)، تجربه گرایی ($F=41/34$)، توافق پذیری ($F=52/98$) و با وجدان بودن ($F=86/85$) در دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد ($p \leq 0/05$)، لذا می‌توان نتیجه گرفت که بین ویژگی‌های شخصیتی در زوجین متقاضی طلاق با زوجین عادی تفاوت معناداری وجود دارد، همچنین بیشترین تأثیر مربوط به توافق پذیری و با وجدانی به ترتیب با مجدور اتا ۰/۵۲ و ۰/۶۰ می‌باشد.

جدول ۴-۸: آزمون‌های اثرات بین آزمودنی‌ها در مقایسه میانگین مؤلفه‌های اختلالات روانی در دو گروه

اثر	ارزش	F	سطح معنی داری
اثر پیلایی	۰/۹۲	۵۲۲/۷۳	۰/۰۰
لامبدای ویلکز	۰/۰۲	۵۲۲/۷۳	۰/۰۰
اثر هتلینگ	۳۸/۰۵	۵۲۲/۷۳	۰/۰۰
بزرگترین ریشه روی	۳۸/۰۵	۵۲۲/۷۳	۰/۰۰

نتایج جدول ۳ نشان می دهد که سطوح معناداری همه آزمون ها قابلیت استفاده از تحلیل واریانس چند متغیری را مجاز می شمارد. این نتایج نشان می دهد که در گروه های مورد مطالعه حداقل از نظر یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معناداری وجود دارد ($P < 0/00$ ، $F = 522/73$ ، $F = 0/02$ = لامبدای ویلکز).

جدول ۴ نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره فرضیه دوم

مجدور	سطح	میانگین	درجه	مجموع	منبع تغییرات	
اتا	معناداری	F	مجدورات	آزادی	مجدورات	
۰/۶۱	۰/۰۰۰	۷۱/۲۸	۵/۳۶	۱	۵/۳۶	شاخص تغییر پذیری
۰/۳۲	۰/۰۰۰	۵۴/۴۴	۳/۰۸	۱	۳/۰۸	الگوهای شخصیت بالینی
۰/۴۳	۰/۰۰۰	۶۲/۵۳	۴/۲۱	۱	۴/۲۱	شدید آسیب شناسی شخصیت
۰/۳۸	۰/۰۰۰	۶۳/۷۱	۶/۷۳	۱	۶/۷۳	نشانگان های بالینی
			۰/۱۱	۲۸	۳/۱۸	شاخص تغییر پذیری
			۰/۰۹	۲۸	۲/۴۱	الگوهای شخصیت بالینی
			۰/۱۶	۲۸	۴/۵۹	شدید آسیب شناسی شخصیت
			۰/۱۸	۲۸	۵/۱۷	نشانگان های بالینی
				۳۰	۳۶۲/۲۳	شاخص تغییر پذیری
				۳۰	۶۵۲/۸۲	شدید الگوهای شخصیت بالینی
				۳۰	۳۲۶/۲۶	شدید آسیب شناسی شخصیت
				۳۰	۴۵۶/۴۱	نشانگان های بالینی

بررسی نتایج جدول ۴ نشان می دهد که مؤلفه های شاخص تغییر پذیری ($F = 71/28$)، الگوهای شخصیت بالینی ($F = 54/44$)، آسیب شناسی شدید شخصیت ($F = 62/53$) و نشانگان های بالینی ($F = 63/71$) در دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد ($p \leq 0/05$)، لذا می توان نتیجه گرفت که بین مؤلفه های اختلالات روانی در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی تفاوت معناداری وجود دارد، همچنین بیشترین تأثیر مربوط به شاخص تغییر پذیری با مجدور اتا ۰/۶۱ می باشد.

جدول ۵ آزمون های اثرات بین آزمودنی ها در مقایسه میانگین مؤلفه های اختلال هویت جنسی در دو گروه

اثر	ارزش	F	سطح معنی داری
اثر پیلایی	۰/۹۶	۸۴۶/۸۲	۰/۰۰
لامبدای ویلکز	۰/۰۳	۸۴۶/۸۲	۰/۰۰
اثر هتلینگ	۴۴/۲۵	۸۴۶/۸۲	۰/۰۰
بزرگترین ریشه روی	۴۸/۶۵	۸۴۶/۸۲	۰/۰۰

نتایج جدول ۵ نشان می دهد که سطوح معناداری همه آزمون ها قابلیت استفاده از تحلیل واریانس چند متغیری را مجاز می شمارد. این نتایج نشان می دهد که در گروه های مورد مطالعه حداقل از نظر یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معناداری وجود دارد ($P < 0/00$ ، $F = 846/82$ ، $F = 0/03$ = لامبدای ویلکز).

جدول ۶: نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره فرضیه سوم

مجموع	درجه	میانگین	سطح	مجذور	منبع تغییرات	مجموع	درجه	میانگین	سطح	مجذور
مجذورات	آزادی	مجذورات	F	معداداری	تغییرات	مجذورات	آزادی	مجذورات	F	معداداری
۳۰/۵۲	۱	۳۰/۵۲	۲۲۶/۷۳	۰/۰۰۰	بعد عاطفی	۳۰/۵۲	۱	۳۰/۵۲	۲۲۶/۷۳	۰/۰۰۰
۱۴/۳۸	۱	۱۴/۳۸	۷۱۵/۳۸	۰/۰۰۰	بعد ادراکی	۱۴/۳۸	۱	۱۴/۳۸	۷۱۵/۳۸	۰/۰۰۰
۵۶/۷۵	۱	۵۶/۷۵	۷۶۲/۹۴	۰/۰۰۰	بعد رفتاری	۵۶/۷۵	۱	۵۶/۷۵	۷۶۲/۹۴	۰/۰۰۰
۷/۹۳	۲۸	۰/۲۸			خطا	۷/۹۳	۲۸	۰/۲۸		
۱۱/۸۴	۲۸	۰/۴۲			بعد ادراکی	۱۱/۸۴	۲۸	۰/۴۲		
۴/۹۵	۲۸	۰/۱۸			بعد رفتاری	۴/۹۵	۲۸	۰/۱۸		
۷۶۲/۳۱	۳۰				بعد عاطفی	۷۶۲/۳۱	۳۰			
۷۲۱/۴۵	۳۰				بعد ادراکی	۷۲۱/۴۵	۳۰			
۷۲۴/۳۹	۳۰				بعد رفتاری	۷۲۴/۳۹	۳۰			

بررسی نتایج جدول ۶ نشان می دهد که مؤلفه های بعد عاطفی ($F = 226/73$)، بعد ادراکی ($F = 715/38$) و بعد رفتاری ($F = 762/94$) در دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد ($p < 0/05$) لذا می توان نتیجه گرفت که بین اختلال هویت جنسی در

زوجین متقاضی طلاق با زوجین عادی تفاوت معناداری وجود دارد، همچنین بیشترین تأثیر مربوط به بعد رفتاری با مجذور اتا ۰/۸۲ می باشد.

بحث و نتیجه گیری

نتایج نشان داد که بین بین ویژگی های شخصیتی در زوجین متقاضی طلاق با زوجین عادی تفاوت معناداری وجود دارد. لذا فرضیه اول پذیرفته می شود. نتایج نشان داد که مطابق با نظریه پنج عاملی شخصیت، بین زوجین متقاضی و غیرمتقاضی طلاق در خرده مقیاس های روان رنجورخویی، تجربه گرایی، توافق پذیری، باوجدان بودن تفاوت معناداری وجود دارد. این یافته با یافته های عسگری، حافظی و جمشیدی (۱۳۸۹)، ویسر و ویگل (۲۰۱۵)، دوروس^۱ و همکاران (۲۰۱۱)، فارنهام^۲ (۲۰۰۸)، راگ، رودبری، هاهلوگ و تورمایر^۳ (۲۰۰۶)، شاکفورد، بسر و گوتز^۴ (۲۰۰۸) و دانلان، کانگر و بریانت^۵ (۲۰۰۴) در برخی خرده مقیاس ها همسو و در برخی خرده مقیاس ها ناهمسو است. همچنین نتایج نشان داد که بین زوجین متقاضی و غیرمتقاضی طلاق در عامل برون گرایی هیچ تفاوت معناداری وجود نداشت که در مورد این عامل در پژوهش های مختلف نتایج متفاوتی به دست آمده است. این یافته با پژوهش های کنت و استفانی^۶ (۲۰۰۷)، دینر، اونکوک، ریچارد و اسمیت^۷ (۲۰۰۷) ناهمسو؛ و با پژوهش های بهروز و همکاران (۱۳۹۳) و عسگری و همکاران (۱۳۸۹) همسو است.

در تبیین این یافته می توان گفت ویژگی های شخصیتی همچون روان رنجورخویی و ناپایداری احساسی آسیب های دائمی به دنبال دارند که در چگونگی سازش یافتگی زوج یا تجربه های پرتنش تأثیر گذاشته و رضایت مندی از کل رابطه را به تدریج مخدوش خواهد کرد. راگ و همکاران (۲۰۰۶) نشان دادند که روان رنجورخویی و پرخاشگری در سرعت نزول اولیه کارکردهای زندگی زناشویی دخیل است. پژوهش های قبلی نشان می دهند که روان رنجورخویی با تعاملات منفی همبستگی مثبت دارد (دونلان و همکاران، ۲۰۰۴). از این رو به نظر می رسد ویژگی شخصیتی روان رنجورخویی بیشتر بر رابطه و تعاملات افراد با یکدیگر اثر گذاشته و احتمال گرایش به سمت طلاق را افزایش می دهد. به عبارت دیگر روان رنجورخویی بالا ممکن است به طور غیرمستقیم و از طریق افزایش نارضایتی از زندگی زناشویی، طلاق را به رابطه زندگی زوجین تزریق نماید. نتایج به دست آمده در خصوص عامل تجربه گرایی را نیز می توان بر اساس نظر مک کری و همکاران (۲۰۰۴) این گونه توجیه کرد که تجربه گرایی باعث می شود زوجین در حل مشکلات و تعارضات خود خلاقیت بیشتری به کار برده و از راهبردهای مقابله ای انعطاف پذیرتر و

^۱Weiser & Weigel

^۲Dorros

^۳Furnham

^۴Rogge, Brudbury, Hahlweg & Thurmaier

^۵Shackelford, Besser & Goetz

^۶Donnellan, Conger & Bryant

^۷Kenneth & Stephanie

^۸Diener, E. D., Eunkook, M. S., Richard, E. L., & Smith

فعال تری در حل مشکلات استفاده نمایند. پژوهش ها نشان داده اند که تجربه گرایی به ایجاد رضایت جنسی بیشتر در زوجین منجر شده و افزایش توجه به طرف مقابل را نیز در پی خواهد داشت (دوروس و همکاران، ۲۰۱۱). توافق پذیری نیز ویژگی شخصیتی دیگری است که با همدلی، همکاری، اعتماد و حمایت گری در روابط بین فردی همراه است و به واسطه توانایی ایجاد الفت و توافق در کنار توجه به انتظارات و تشابهات در هنگام بروز تعارض به سازگاری زناشویی بیشتر زوجین می انجامد و کاهش احتمالی طلاق را در پی خواهد داشت (اشمیت، ۲۰۰۴). سرانجام ویژگی باوجدان بودن نیز در زوجین متقاضی و غیرمتقاضی طلاق تفاوت وجود دارد. از آن جایی که بهترین مفهوم برای این بعد شخصیت «اراده» است، افراد باوجدان، اراده بالایی داشته، موفقیت های تحصیلی و شغلی بیشتری کسب کرده و به دنبال آن تنش های کمتری را تجربه می کنند. این افراد کمتر در معرض تنش، فشار و تعارض های زناشویی قرار گرفته و به دلیل التزام به اصول اخلاقی، احتمالاً گرایش و تمایل کمتری به طلاق نشان می دهند.

نتایج نشان داد که بین اختلالات روانی در زوجین متقاضی طلاق با زوجین عادی تفاوت معناداری وجود دارد. لذا فرضیه دوم پذیرفته می شود. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش بیرامی و جمالی (۱۳۹۰)، جعفری (۱۳۸۸)، کریستل و همکاران (۲۰۱۲) و دزوریلا و همکاران (۲۰۱۱) همسو بود. پژوهشگران معتقدند اختلالات روانی و باورهای ناکارآمد با طلاق، تعارضات زناشویی و روابط زناشویی آسیب دیده ارتباط دارد. زوجین متقاضی و غیرمتقاضی طلاق درجاتی از باورهای ناکارآمد و اختلالات روانی را در خود دارند؛ اما آن چه این زوجین را از هم متمایز می کند، میزان تأکید روی این باورها است (دامیترسکو و روسو، ۲۰۱۳). در تبیین اختلالات روانی و تقاضای طلاق می توان گفت که اختلالات روانی به سوگیری در تفسیر رویدادها منجر می گردند. این سوگیری ها در آسیب شناسی روانی بین زوجین خود را به صورت شاخص تغییر پذیری، الگوهای شخصیت بالینی، آسیب شناسی شدید شخصیت و نشانگان های بالینی نشان می دهد (اپستین و باکوم، ۱۹۹۴). این برداشت های نادرست بر ادراکها و ارزیابی های بعدی زوج از زندگی مشترک اثر گذاشته و به تدریج زوجین را در چرخه ای از هیجانات ناخوشایند، تنش بین فردی، اجتناب و استفاده از راهبردهای مقابله ای ناکارآمد گرفتار کرده و احتمال گرایش به سمت طلاق را افزایش می دهد. بنابراین از آن جایی که اختلالات روانی ناکارآمد هستند، باعث ناخشنودی در روابط زناشویی شده و زمینه را برای جدایی و طلاق فراهم می سازند. پژوهش ها نشان داده اند که اختلالات روانی همانند چارچوبی برای پردازش اطلاعات عمل کرده و بر واکنش های هیجانی افراد نسبت به دیگران و زندگی اثر می گذارند. به عبارت دیگر افرادی که تحت تأثیر اختلالات روانی از زندگی شان رضایت ندارند، به جنبه های منفی زندگی توجه بیشتری نشان داده و بیشتر تحت تأثیر حوادث منفی زندگی قرار می گیرند.

نتایج نشان داد که بین اختلال هویت جنسی در زوجین متقاضی طلاق با زوجین عادی تفاوت معناداری وجود دارد. لذا فرضیه سوم پذیرفته می شود. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش همسو فروتن و جدید میلانی (۱۳۸۷)، آقا محمدیان و همکاران (۱۳۸۲)، کومر و همکارانش (۱۹۹۶)، آندرمولر و زیلون (۱۹۹۱) و کویچ و کاستوک (۱۹۹۰) با توجه به نتایج به دست

^{۱۴}Dumitrescu & Rusu

^{۱۵}Epstein & Baucom

^{۱۶}Kumer

^{۱۷}Andromeller & Zillon

^{۱۸}Quick & Costac

آمده مشاهده می شود که رضایتمندی جنسی، عامل مهمی در موفقیت زندگی زناشویی است. عدم رضایت از این مسأله مهم می تواند موجبات اختلاف زناشویی را فراهم کند. بنابراین، مهم ترین عامل یا حداقل یکی از عوامل که باعث طلاق و از هم گسیختگی خانواده می شود، اختلال هویت جنسی است. زمانی که زن و شوهر در مورد مسائل جنسی با هم اختلاف دارند بهترین راه آن است که در مورد اختلافات با هم به گفت و گو بپردازند. در این موارد با درک یکدیگر، زن و شوهر می توانند تدابیری اتخاذ کنند که هر دو از روابط جنسی لذت ببرند و این کار زمانی امکان پذیر می شود که با شناخت و آگاهی و درک متقابل هر یک کوشش کند دیگری را از نشاط و لذت جنسی لبریز کند. رفتار محبت آمیز با هم امکان اظهار عشق در روابط صحیح را فراهم می کند و به این ترتیب همسران می توانند بدون هگونه ترس و واهمه با خونسردی و اعتماد با هم در مورد این قبیل مسائل به گفت و گو بپردازند. از دیگر مشکلات مطرح در این معضل اجتماعی، تنگناها و محدودیت هایی در حیطه آشنایی با تمایلات و خواسته های جنسی، به خصوص در گروه زنان است. تأکید بر بردباری زنان به عنوان یک ارزش فرهنگی، بی توجهی به مسائل جنسی، به خصوص در گروه زنان است. تأکید بر بردباری زنان به عنوان یک ارزش فرهنگی، بی توجهی به مسائل جنسی زنان و باورهای مذهبی مانند لزوم تمکین جنسی زن از مرد و شرم داشتن از بیان مشکلات جنسی، چرخه روابط جنسی معیوبی را ایجاد کرده، ادامه خواهد داد که نهایتاً منجر به طلاق و جدایی می گردد. بخشی از مشکلات زندگی مشترک، ناشی از عدم رضایت از طرف مقابل است که در صورت عدم توجه و ادامه، زمینه ساز مسائل و مشکلات دیگر خواهد شد. این مشکل از جانب زنان حادث تر بوده، در عین حال کم تر به آن توجه می شود. در مقابل مردانی که از طرف همسرانشان ارضا نمی شوند جذب زنان دیگر می شوند و این پدیده می تواند زمینه ساز جدایی و طلاق باشد.

بنابراین همان طور که یافته های پژوهش حاضر نشان داد، ویژگی های شخصیتی، اختلالات روانی و اختلال هویت جنسی هر یک به تنهایی متغیرهایی هستند که می توانند در گرایش زوجین به سمت طلاق نقش داشته باشند، اما باید گفت که انحلال خانواده و زندگی زناشویی تنها یک رخداد تک متغیری و خطی نیست، بلکه فرآیندی چندمتغیری است. در اصل مجموعه ای از عوامل به هم می پیوندند و با هم شبکه ای پیچیده تشکیل می دهند که تحت عنوان عوامل تهدیدکننده خانواده از آن ها یاد می شود. این عوامل به همراه یکدیگر، پیش بینی کننده انحلال زندگی زناشویی و در نهایت طلاق است. وجود اختلالات روانی و باورهای ناکارآمد فعال، به همراه طیفی از ویژگی های شخصیتی که تاب آوری فرد را در برابر تنش ها و فشارهای زندگی زوجی کاهش می دهد، در تعامل با اختلالات روانی در یک طیف ناسالم شبکه ای پیچیده تشکیل می دهند که بر گرایش زوج به سمت طلاق اثر می گذارد.

منابع فارسی

- احمدی، سید احمد؛ فاتحی زاده، مریم؛ قلیلی، زهره (۱۳۸۵). اثر بخشی آموزش گفتگوی مؤثر بر تعارضات زناشویی زوجین شهر اصفهان. دانش و پژوهش در روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان: ۲۸ و ۲۷، ۳۴ - ۳۸.
- آقامحمدیان، حمیدرضا، رضاقلی زاده، تکتیم، عوضی، معصومه، پشتیبان، حبیبه (۱۳۸۲). بررسی رضایتمندی زناشویی و رابطه آن با طلاق، اولین همایش خانواده و مشکلات جنسی.

- بهرروز، بهروز؛ محمدی، فرحناز؛ علی آبادی، شهرام؛ کجباف، محمداقبر؛ حیدری زاده، نسرین؛ بهروز، بهزاد. (۱۳۹۳). مقایسه ویژگی های شخصیتی و سبک های اسنادی در زوج های عادی و متقاضی طلاق. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ۱۵(۱)، ۶۲-۵۱.
- بیرامی، منصور؛ جمالی، ماندانا. (۱۳۹۰). *مقایسه اختلالات شخصیت خوشه C در زوجین متقاضی طلاق با افراد عادی*. زن و مطالعات خانواده، ۴(۱۴)، ۸۵-۱۰۱.
- توسلی، غلام عباس؛ غیائی ندوشن، علی. (۱۳۹۰). عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق طی دهه اخیر مورد مطالعه استان یزد. سال - های ۸۰-۸۶. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۳(۱۴).
- جعفری، نسیبه. (۱۳۸۸). *مقایسه عوامل شخصیتی، اختلالات روانی و ویژگی های جمعیت شناختی در زوجین عهد شکن و عادی شهر اصفهان*، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مطالعات زنان گرایش زن در خانواده، دانشگاه اصفهان.
- شیرزاد، جلال و کاظمی فر، امیرمحمد. (۱۳۸۳). مطالعه همه گیر شناسی زوجین در حال طلاق ارجاعی به اداره کل پزشکی قانونی استان همدان در سال ۱۳۷۹. *مجله علمی پزشکی قانونی*، ۳۶، ۲۱۲-۲۰۷.
- شاکریان، عطا؛ فاطمی، عادل؛ فرهادیان، مختار. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین ویژگی های شخصیتی و با رضایتمندی زناشویی. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان*، ۹۹، ۱۶-۹۲.
- شولتز، دوان، پی؛ شولتز، سیدنی، آلن. (۲۰۰۵). *نظریه های شخصیت*. ترجمه سید یحیی سید محمدی (۱۳۸۶). تهران، انتشارات ویرایش.
- شولتز، دوان. (۱۳۸۶). *نظریه های شخصیت*، مترجمان: یوسف کریمی، فرهاد جمهری، سیامک نقش‌بندی، بهزاد گودرزی، هادی بحیرایی، محمد رضا نیکخواه. تهران: نشر ارسباران.
- عسگری، پرویز، حافظی، فریبا، جمشیدی، ثریا (۱۳۸۹). *رابطه سبک اسناد و ویژگی های شخصیتی با رضایت از زندگی زناشویی در پرستاران زن شهر ایلام*، فصلنامه زن و فرهنگ، ۱(۳)، صص ۳۳-۱۷.
- فاتحی دهقانی، ابوالقاسم و نظری، علی محمد. (۱۳۸۹). تحلیل جامعه شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان. *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، ۲۵، ۱۳-۵۴.
- فروتن، سیدکاظم، جدیدمیلانی، مریم (۱۳۸۷). *بررسی شیوع اختلالات جنسی در متقاضیان طلاق مراجعه کننده به مجتمع قضایی خانواده*، دو ماهنامه علمی - پژوهشی دانشگاه شاهد، ۱۶(۷۸)، صص ۴۴-۳۹.
- فخرایی، سیروس؛ حکمت، شرمین. (۱۳۸۹). عوامل اجتماعی مؤثر بر شدت طلاق از سوی زنان سردشت. *زن و مطالعات خانواده*، ۲(۷)، ۱۰۷-۱۲۰.
- قره داغی، ماندانا. (۱۳۹۰). *مقایسه اختلالات شخصیت (الگوهای بالینی شخصیت و الگوهای بالینی شدید شخصیت) بین زنان مطلقه و عادی شهرستان شوشتر*.
- گروسی فرشی، محمد. (۱۳۸۰). *رویکردی نوین در ارزیابی شخصیت*، چاپ اول، تبریز، نشر جامعه پژوه. مرادی، امید. (۱۳۹۲). *مقایسه خصوصیات جمعیت شناختی، ویژگی های شخصیتی و کیفیت زندگی در زوج های عادی و زوج های در آستانه طلاق*. پژوهش های مشاوره، ۱۲(۴۵).

موسوی کیا، ص. (۱۳۹۰). رابطه کیفیت زندگی کاری و ویژگی های شخصیتی با دلزدگی زناشویی دبیران متوسطه شهر شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

هنریان، مسعود و یونسی، سید جلال. (۱۳۹۰). بررسی علل طلاق در دادگاه های خانواده تهران. ماهنامه قضاوت، ۷۰، ۱۵-۱۲.

APA (American Psychiatric Association). (2004). *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders*. Washington: APA.

Attari, Y. A., Amanollahifard, A., Mehrabizadeh, Honarmand. M. (2006). Relationship between personality Characteristics and individual factors: A family with marital satisfaction in the state personnel office in Ahvaz. *J Sci Educ Psychol*, 3, 81-108. [In Persian].

Charania, M. R. (2007). Personality Influence on Marital Satisfaction: An Examination of Actor, Partner, and Interaction Effects. University of Texas at artington. 14(2), pp. 187-208.

- Diener, E. D., Eunkook, M. S., Richard, E. L., & Smith, H. L. (2007). **Subjective wellbeing: Three decades of progress**. *Psychological Bulletin*, 125 (2), Pp 276-302.

- Donnellan, M. B., Conger, R. D., & Bryant, C. M. (2005). **Erratum to the big five and enduring marriages**. *Journal of Research in Personality*, 39 (1), Pp 206-207.

- Dorros, S., Hanzal A., & Segrina, C. (2011). **The big five personality traits and perceptions of touch to intimate and non-intimate body regions**. *Journal of Research in Personality*, 42, Pp 1067-1073.

- Dumitrescu, D., & Rusu, A. S. (2012). **Relationship between early maladaptive schemas, Couple satisfaction and individual mate value: An evolutionary psychological approach**. *Journal of evidence – based psychotherapies*, 12 (1), Pp 63-70.

Dorros, S., Hanzal A., & Segrina, C. (2011). The big five personality traits and perceptions of touch to intimate and nonintimate body regions. *Journal of Research in Personality*, 42, 1067-۱۰۷۳.

Dunnellon, B. M., Conger, R. D., Bryant, Ch. M. (2004). The big five and enduring marriages. *J Res Peers*; 38: 481-504.

- Epstein, N. B., & Baucom, D. H. (1996). **A cognitive-behavioral approach to marital problems: A program of research and its clinical applications**. In W. Dryden (Ed.), *Research in counselling and psychotherapy: Practical applications* (pp. 133–161). Thousand Oaks: Sage.

- Furnham, A. (2008). **Relationship among four big five measures of different length**. *Psychological Reports*, 102, Pp 312-316.

Gaunt, R. (2006). Couple similarity and marital satisfaction: Are similar spouses happier? *Journal of personality*, 74, 1401-1420.

Kaplan, H & Sadoc, B. (2000). *Synopsis of psychiatry*. 9 Th Ed, Lippincott Williams and Wilkins. 44-5,800, 181-2.

- Kenneth, R. O., Stephanie, N. (2007). **Five-factor Personality Similarity and marital adjustment**. *Social Behavior and Personality: An International Journal*, 27 (3), Pp 309-314.

Karney, B.R., & Bardbury, T. N. (1997). Neuroticism, marital interaction and the trajectory of marital satisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology*, 2, 1075-1092.

Kirkcaldy, D., Shepard, J. & Turnham, F. (2002). The influence of type A Behavior and locus of control upon job satisfaction and Occupational health. *Personality and individual differences*, 33, 1361-1371.

Kirkcaldy, D., Shepard, J. & Turnham, F. (2002). *The influence of type A Behavior and locus of control upon job satisfaction and Occupational health. Personality and individual differences*, 33, 1361-1371.

Krouse, N., Show, B. (2000). *Specific Feelings of Control and mortality school of public health*. University of Michigan.

Luo, S., & Klohnen, E. C. (2005). Assortative mating and marital quality in newlyweds: A couple-centered approach. *Journal of personality and social psychology*, 88, 304-326.

Luo, S., Chen.Hao, Yue. Guoan, Zang. Guangjian, Zhaoyang. Ruixue, & Xu, Dan. (2008). partner, and couple characteristics: Is it me, you, or us? *Journal of predicting marital satisfaction from self, personality*, 76, 1231-1265.

Malouff, J. M., Thorsteinsson, E. B., Schutte, N. S., Bhullar, N., & Rooke, S. E. (2010). The five factor model of personality and relationship satisfaction of intimate partners: A meta-analysis. *Journal of Research in Personality*, 44 (1), 124-127.

Phares, E. J. (1993). *Form therapy to research: A patient's legacy*. In G.G. Brannigan & Merrens (Eds). *The undaunted psychologist*: Philadelphia, Temple University Press.

Rogge, R. D., Brudbury, T. N., Hahlweg, K. E. G., & Thurmaier, F. (2006). **Predicting marital distress and dissolution: Refining the two-factor hypothesis**. *Journal of Family Psychology*, 20 (1), Pp 156-159.

Robins, R.W., caspi, A., & Moffitt, T.E. (2000). Two personalities, one relationship: Both partners' personality traits shape the quality of their relationship. *Journal of personality and social psychology*, 79, 251-259.

Shackelford, T. K., Besser, A., & Goetz, A. T. (2008). Personality, marital satisfaction, and probability of marital infidelity. *Individual Differences Research, 6 (1), 13-25*.

- Shackelford, T. K., Besser, A., & Goetz, A. T. (2008), **Personality, Marital Satisfaction and Probability of Marital Infidelity**. Journal of Individual Differences Research, 6, Pp 13-۲۵.

Shiota, M. N., & Levenson, R. W. (2007). Birds of a feather don't always fly farthest: Similarity in Big Five personality predicts more negative marital satisfaction trajectories in long-term marriages. *Psychology and Aging, 22, 666-67*.

- Weiser, D. A., & Weigel, D. J. (2015). **Investigating experiences of the infidelity partner: hh h hh hhhhhhr Mnnmmmm??** Personality and Individual Differences, 85, Pp 176-181.

